

Investigating the effectiveness of new Arabic teaching methods in teaching 4 language skills in schools

aliakbar noresideh¹ 

¹Associate Professor of Arabic Language and Literature, Semnan University, Iran. noresideh@semnan.ac.ir



Abstract

Considering the expansion and development of teaching methods in the field of language education in educational institutions and institutions and the need to use these methods in government educational institutions, updating language skills teaching methods is considered one of the most necessary needs in this regard. The current conditions governing this in education and the ineffectiveness of traditional methods, especially the one-sided view and the lack of use of modern educational tools in the field of language education, have also faced this process with serious disruptions in the educational system and at the same time cost a lot of time and money. It has been a waste of mere and fruitless governance. In this field research, we are looking to analyze the current situation in Arabic language teaching in textbooks and compare it with the teaching of the four language skills using modern resources. The results indicate that the application of new educational technologies has had a tremendous impact on changing the existing situation and the skills of reading, speaking, listening and writing have changed the most in the new educational method.

Keywords : Arabic language, language teaching, language skills, textbooks, Miftah al-Arabiya.



Date Received: 2025/003/03 ; Revision date: 2025/04/22 ; Date of admission: 2025/07/02 ; Online publication date: 2025/07/05

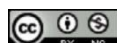
Citation of this article: noresideh, aliakbar (2025). Investigating the effectiveness of new Arabic teaching methods in teaching 4 language skills in schools. *Research in Arabic language and literature education*, 7(1), pp 93-115. 

Publisher: Farhangian University

© the authors

[http:// https://amozesharabi.cfu.ac.ir](http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir)

Article type: Research Article



دراسة مدى فعالية أساليب تدريس اللغة العربية الحديثة في تدريس المهارات اللغوية الأربع في المدارس

على أكبر نورسيده^١

^١أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، جامعة سمنان، إيران، إيران. noresideh@semnan.ac.ir



الملخص

نظرًا لتوسع وتطور أساليب التدريس في مجال تعليم اللغات في المؤسسات التعليمية وضرورة تطبيق هذه الأساليب في المؤسسات التعليمية الحكومية، فإن تحديث أساليب تدريس المهارات اللغوية يُعد من أكثر الاحتياجات إلحاحًا في هذا الصدد. إن الظروف الحالية التي تحكم هذه القضية في التعليم وعدم كفاءة الأساليب التقليدية، وخاصة النهج أحادي الجانب وعدم استخدام الأدوات التعليمية الحديثة في مجال تدريس اللغات، قد عطلت هذه العملية في النظام التعليمي بشكل خطير وأهدرت أيضًا الكثير من الوقت والمال من الحكومة. في هذه الدراسة الميدانية، نسعى إلى تحليل الوضع الحالي لتدريس اللغة العربية في الكتب المدرسية ومقارنته بتدريس المهارات اللغوية الأربع باستخدام الموارد الحديثة. تشير النتائج إلى أن تطبيق التقنيات التعليمية الجديدة كان له تأثير كبير على تغيير الوضع الحالي، وقد تغيرت مهارات القراءة والتحدث والاستماع والكتابة بشكل أكبر في الطريقة التعليمية الجديدة.

الكلمات الدلالية: دراسة مدى فعالية أساليب تدريس اللغة العربية الحديثة في تدريس المهارات اللغوية الأربع في المدارس.



بررسی اثربخشی روش‌های نوین تدریس عربی در آموزش مهارت‌های ۴ گانه زبانی در مدارس

علی‌اکبر نورسیده ^{id}

دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، ایران. noresideh@semnan.ac.ir



چکیده

نظر به گسترش و توسعه روش‌های تدریس در حوزه آموزش زبان در مؤسسات و نهادهای آموزشی و لزوم کاربردی بودن شیوه‌ها در نهادهای آموزشی دولتی، به‌روزرسانی شیوه‌های تدریس مهارت‌های زبانی از ضروری‌ترین نیازها در این خصوص قلمداد می‌شود. شرایط فعلی حاکم بر این امر در آموزش و پرورش و ناکارآمدی شیوه‌های سنتی و به‌ویژه نگاه یک‌جانبه و عدم استفاده از ابزارهای نوین آموزشی در زمینه آموزش زبان هم این فرایند را با اختلال جدی در نظام آموزشی روبرو کرده و هم‌زمان و هزینه‌های زیادی را از حاکمیت صرف و بی‌نتیجه هدر داده است. در این پژوهش به صورت میدانی در پی تحلیل وضع موجود در آموزش زبان عربی در کتب درسی و مقایسه آن با آموزش مهارت‌های چهارگانه زبانی با استفاده از منابع روزآمد هستیم. نتایج حاکی از آن است که کاربردی‌ترین فناوری‌های جدید آموزشی تأثیری شگرف در تغییر وضع موجود داشته است و به ترتیب مهارت‌های خواندن، صحبت کردن، شنیدن و نوشتن در شیوه جدید آموزشی بیشترین تغییر را داشته‌اند.

واژگان کلیدی: زبان عربی، آموزش زبان، مهارت‌های زبانی، کتاب‌های درسی، مفتاح العربیة.



مقدمه

نظر به گستردگی حوزه آموزش زبان و تأثیر روزافزون آن در تعاملات بین‌الملل توجه به تدوین منابع معتبر و روزآمد کردن منابع موجود و استفاده از تجربه‌های دیگران و نیز کاربرست نظریه‌های جدید برای ایجاد تغییر امری ضروری است. در این میان حاکمیت نگاه تکجانبه نگر در حوزه آموزش زبان عربی در مدارس و عدم بهره‌مندی معلمان از تجربه لازم مزید بر علت شده است تا امر آموزش زبان در مدارس ایران و نظام آموزشی ما دارای اشکالات و نواقص بی‌شماری باشد. در این پژوهش با روش توصیفی و آماری و به صورت میدانی به بررسی نمونه مطالعاتی در مدارس شهر سمنان پرداخته شده است و وضع موجود در حوزه آموزش زبان عربی در سه حوزه زبان آموزان، معلمان و منابع درسی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش یافتن راهی برای برون‌رفت از وضع فعلی است بدین منظور و در مقام مقایسه از منبع آموزشی زبان عربی (مفتاح العربیة) برای مقایسه و آسیب‌شناسی کتاب‌های عربی مدارس و نشان دادن کارآمدی یا ناکارآمدی منابع فعلی و جدید بهره گرفته شد. به نظر می‌رسد بی‌نتیجه بودن شیوه فعلی حاکم د آموزش زبان عربی در مدارس ضرورت انجام چنین تحقیقی به هدف یافتن راهکاری برای بهبود وضع را توجیه نماید.

در این میان به منظور یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر این پژوهش به انجام رسیده است:

۱- چالش عمده موجود در راه آموزش بهینه زبان عربی در مدارس شهرستان سمنان چیست؟

۲- ابزارهای آموزشی جدید تا چه میزان در تغییر شرایط فعلی می‌تواند مفید باشد؟

پیشینه پژوهش

در حوزه نقد آموزش زبان عربی در مدارس کشور پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود:

- بیات و همایونی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «چالش‌های آموزش زبان عربی در نظام آموزشی کشور»، در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به مشکلات و موانع موجود پرداخته و بر ضرورت بازنگری در روش سنتی آموزش زبان عربی تأکید کرده‌اند.

- حسین پور (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی راهکارهای آموزش زبان عربی در مدارس مبتنی بر صنعت هوش مصنوعی» در مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب به این امر اشاره می‌کند که از امکانات هوش مصنوعی نظیر شخصی‌سازی، واقعیت افزوده، بازی‌های کامپیوتری می‌توان در فرآیند تدریس عربی استفاده کرد همچنان که نرم‌افزارهای

مختلف هوش مصنوعی وجود دارند که از آن‌ها در تدریس بخش‌های مهم عربی نظیر ترجمه متون و آموزش قواعد می‌توان بهره برد.

- عبیات (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «کاربست طراحی روش‌های موفق تدریس کتب عربی در مدارس ایرانی»، در مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب معتقد است به‌کارگیری روش‌های نوین در امر تدریس، موجب یادگیری پایدارتر در دانش‌آموزان می‌شود هرچند که کاربرد این روش‌ها، محدودیت‌هایی نیز به همراه دارد که از این‌رو می‌توان روش‌های سنتی و نوین را به‌صورت ترکیبی و تلفیقی در کلاس‌های درس به کاربرد. نتایج پژوهش بر این نکته تأکید کرده که عوامل متعددی در فعال کردن تدریس نوین و یاددهی و فراخوانی شیوه‌های جدید دروس عربی نقش دارد از جمله: افزایش ساعت آموزشی، تغییر محتوا کتب درسی، به‌کارگیری روش‌های نوینی، بهره‌گیری از امکانات کمک‌آموزشی، استفاده از دبیران متخصص و آشنا به فنون معلمی نام برد.

- نیری (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی تأثیر شعر در آموزش زبان عربی در مدارس ایران» در مجله علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم به این موضوع اشاره می‌کند که کاربرد شعر در آموزش زبان عربی موجب بالا بردن میزان یادگیری زبان‌آموزان عربی شده و باعث تسهیل در یادگیری آن می‌شود.

- کرد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «استفاده از روش تدریس معکوس در آموزش زبان عربی» در مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی معتقد است ارتباط عمیقی میان آموخته‌های قبلی و فعلی دانش‌آموزان وجود دارد بنابراین مشارکت دانش‌آموزان در تدریس کمک زیادی به یادگیری بهتر زبان عربی می‌کند لذا برای بهبود وضعیت زبان‌آموزان مطالعه کتاب‌های جنبی مرتبط با زبان عربی توصیه می‌شود.

اصرار بیش‌ازاندازه و موضع‌گیری‌های غیرعلمی و سلیقه‌ای به‌ویژه در حوزه آموزش زبان عربی در مدارس و مؤسسات آموزشی دولتی و بروز نبودن سه محور اصلی آموزش زبان یعنی معلم، منبع آموزشی و دانش‌آموز نه تنها وقت و هزینه زیادی را هدر می‌دهد که فرصت‌های زیادی را می‌گیرد که هر یک در صورت هدایت درست و روزآمد می‌تواند منبع درآمد فراوانی را برای کشور مهیا سازد. نگاه یک‌سویه به مقوله زبان عربی و برداشت صرفاً ایدئولوژیک از این زبان و لحاظ کردن این امر در تدوین کتب درسی نه تنها انگیزه معلم و دانش‌آموز را از بین برده است که موجی نگاه منفی جامعه به این زبان شده است. از این‌رو می‌تواند در پژوهشی مستقل و در سه مرحله ابتدا شرایط موجود تبیین و ارزیابی شود، سپس منابع مورد استفاده و نیز دانش معلم و متعلم سنجیده و در مرحله آخر راهکارهای عملیاتی جهت برون‌رفت از شرایط ارائه گردد. شاید در این میان ضعف نیروی انسانی، روش سنتی آموزش زبان، غلبه قواعد محوری در کتاب‌های درسی، فقدان وسایل کمک‌آموزشی و ابزارهای چندرسانه‌ای، نبود هدف روشن و چشم‌انداز مشخص به‌منظور آموزش زبان، غلبه گرایش ایدئولوژیک در حوزه آموزش زبان، نامناسب بودن روش‌های ارزیابی آموزش زبان و ناکارآمدی دوره‌های آموزش ضمن خدمت از مهم‌ترین چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس است؛ و راهکارهایی که طی این فرصت مطالعاتی و بعد از ارزیابی مستمر سه رکن آموزش به

نظر رسید عبارت‌اند از: بازنگری در زمینه اهداف آموزش زبان عربی و تغییر یا تعدیل سیاست‌گذاری در این خصوص، تأکید بر نقش زبان عربی در تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای و تأکید بر نقش ارتباطی آن در کتاب‌های درسی، اصلاح روند تربیت مدرسان زبان عربی در مدارس، برگزاری کارگاه‌های تخصصی و حضوری آموزش دبیران عربی حداقل دو بار در طول سال، محوریت متن در آموزش زبان و کناره‌گیری از قاعده محوری در کتب آموزشی، تحول در روش‌های کلاسیک آموزش زبان و کاربرست عملیاتی مهارت‌های چهارگانه در هر جلسه تدریس زبان، استفاده از فناوری‌های نوین و بروز آموزش زبان عربی، تغییر در شیوه ارزیابی زبان‌آموزان و معلمان، نیازسنجی بازار کار و تقویت آموزش لهجه‌های منطقه‌ای در قالب دروس فوق برنامه.

ضرورت آموزش زبان

زبان از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین ابزارهای ارتباطی در جهان حاضر است و یادگیری آن در حوزه‌های مختلف و عرصه‌های متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کارگشا است. امری که ضرورت آن هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب و در اسناد بالادستی به‌خوبی احساس شده است. تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی ایران رواج این زبان غالباً در مکتب‌خانه‌ها و مدارس دینی شایع بود اما بعد از انقلاب و در جریان تدوین قانون اساسی نظر به لزوم آموزش نظام‌مند قرآن و متون دینی و نیز آمیختگی این زبان با زبان فارسی و میراث چند صدساله مشترک بین زبان فارسی و عربی در قالب اصل ۱۶ قانون اساسی آموزش زبان عربی توسط مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۶۸/۶/۶ تصویب شد، چراکه زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است. همچنین، در مصوبه‌های جلسه ۶۲۶ و ۶۴۷ شورای عالی آموزش و پرورش بر لزوم استفاده از زبان عربی جهت درک بهتر قرآن و احادیث تأکید شده است. هرچند در آغاز این امر بسی ارزشمند و قابل احترام است اما نگاه یک‌جانبه در این خصوص و عدم توجه به جنبه‌های مختلف کارآمدی این زبان سیاست‌گذاران را به‌ویژه در حوزه آموزشی به‌غفلت از توجه به ظرفیت بالای این زبان سوق داد. امری که هرچند در دوره‌های مختلف و نه بنا بر تشخیص نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار که بنا بر نیاز جامعه و جبر اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فقدان آن بیش‌ازپیش احساس شد. ارتباط با کشورهای هم‌جوار عرب‌زبان متأسفانه متأثر از جنگ تحمیلی به‌شدت در این حوزه و به‌ویژه بر ذهن متولیان امر تأثیر گذاشت و بیش‌ازپیش بی‌اعتنایی به این زبان را تقویت نمود. با گذر این مرحله و به‌مرور که شرایط منطقه‌ای به ثبات رسید و ظرفیت‌های جدیدی از کارآمدی این زبان به‌ویژه بر متولیان امر و نهادهای علمی دانشگاهی و تحقیقاتی عیان شد تلاش‌هایی برای بهبود وضع صورت گرفت. ظهور مؤسسات آموزش زبان عربی همچون کانون زبان ایران و مؤسسات متعدد غیردولتی توانست هرچند محدود تغییراتی در نوع نگاه و تلقی جامعه نسبت به این زبان ایجاد نماید که قابل ذکر و توجه است اما فرسنگ‌ها با آنچه باید باشد فاصله دارد.

چالش‌های آموزش زبان عربی

این توصیه‌ها و موارد بی‌شماری از این دست نه تنها تغییری در شرایط را ایجاد نکرده است حتی نوعی مقاومت در برابر این درخواست در سطح سیاست‌گذاران کلان آموزشی دیده می‌شود. متأسفانه این مسئله و ناکارآمد کردن این زبان تنها ختم به آموزش و پرورش نمی‌شود بلکه در سطح آموزش عالی هم علیرغم تأسیس رشته آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های محدود برون داد آن در سطح جامعه بسیار کم و غیرقابل ذکر است. با توجه به موارد مذکور و نظر به رسالت این طرح در ارائه راهکار عملیاتی که بتوان آن را در یک مجموعه محدود شروع و خروجی آن را در صورت موفقیت‌آمیز بودن به سایر نهادهای مربوطه نشر و گسترش داد، این پژوهش ضمن یادکرد نیک از پژوهش‌های گذشته نتیجه خود را در قالب گزارش زیر ارائه می‌نماید.

باوجود آموزش زبان عربی در مدارس، ناکامی در یادگیری این زبان بین دانش‌آموزان دیده می‌شود و می‌توان ادعا کرد که خروجی یادگیری و فراگیری این زبان به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش بسیار نامناسب است. برخی از چالش‌های اجرایی آموزش زبان عربی در ادامه ارائه شده است.

- **نیروی انسانی:** یکی از معضلات این واحد درسی، استفاده از معلمان غیرمتخصص است. متأسفانه معلمان به مهارت‌های زبان عربی مسلط نیستند و نمی‌توانند این مهارت‌ها را به دانش‌آموزان آموزش دهند. ایشان مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای آموزش زبان عربی را، مانند آشنایی با روش‌های تدریس زبان دوم/خارجی و فرهنگ عرب‌زبانان ندارند. غالب این معلمان علیرغم داشتن مدارک بالای دانشگاهی از تخصص و مهارت لازم به منظر تدریس این زبان بهره‌مند نیستند و به‌ویژه از نشاط و پویایی و انگیزه کافی برای این امر برخوردار نمی‌باشند. برگزاری دوره‌های مستمر مهارت‌آموزی زبان عربی حداقل سه بار در طول سال در قالب دوره‌های دانش‌افزایی توسط اساتید و متخصصان امر و برگزاری آزمون‌های پایان دوره و الزام این عزیزان به شرکت فعال در کنار وضع مشوق‌های امتیازی و مالی می‌تواند مثر ثمر باشد. تجربه‌ای که در طرح اخیر و در جمع معلمان استان کسب شد مؤید این موضوع بود که اگر برنامه دقیق و نظام‌مند باشد قطعاً شوق زبان‌آموزی را می‌توان در معلمان ایجاد کرد. آنچه از کلاس‌های درس خواه دانشگاه‌هایی که وظیفه آن‌ها تربیت تخصصی معلمان این حوزه است، همانند دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه‌های دیگر، حاصل می‌شود، این است که اغلب دانش‌آموختگان فاقد مهارت‌های لازم در حوزه‌های سه‌گانه آموزش یادگیری (شناختی/عاطفی/مهارتی) هستند؛ در بسیاری از موارد کتاب‌های نگاشته شده در این زمینه و به تبع آن روش تدریس معلم کمتر علاقه شخصی زبان‌آموزان را به خود جلب می‌کند. شایان ذکر است در اغلب مراکز دانشگاهی آموزش زبان عربی از رویکرد سنتی مدرسه تبعیت می‌شود. به‌عنوان نمونه در مقطع کارشناسی در حوزه دستور زبان عربی، تدریس کتاب مبادئ العربیه اثر رشید شرتونی که دارای کمترین کارایی و خلاقیت است، برای مدرس الزامی است. پژوهش‌های میدانی (حقدوست راد، ۱۳۸۸: ۳۶) و (لامعی گیوی و مقبولی، ۱۳۹۷: ۸۱) نشان می‌دهد، باوجود اینکه دانش‌آموزان به مدت ۶ یا ۷ سال زبان عربی را فرامی‌گیرند، کمتر فارغ‌التحصیل دبیرستان می‌تواند با اکتفا به اندوخته‌هایش در مدرسه، قادر به فهم مضامین قرآن یا احادیث باشد، یکی از عمده دلایل این نقیصه این است که معلم قواعد را به صورت طوطی‌وار به او القا می‌کند و بعد از فراغت از امتحان قواعد مذکور کارایی خود را از دست می‌دهند. متأسفانه معلمان به مهارت‌های زبان عربی مسلط نیستند و نمی‌توانند این مهارت‌ها را به دانش‌آموزان آموزش دهند و مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای آموزش زبان عربی را، همچون آشنایی با روش‌های تدریس زبان دوم/خارجی و فرهنگ عرب‌زبانان ندارند. نمی‌توان انتظار

داشت در شرایطی که معلمان زبان عربی به مهارت‌های زبانی مسلط نیستند و درک صحیح و جامعی از روش‌های تدریس زبان ندارند و هرگز از زبان عربی در موقعیت عملی استفاده نکرده‌اند و قادر به تدریس مهارت‌های زبانی نیستند، به نتایج قابل قبولی در زمینه آموزش زبان عربی رسید. اگرچه باید به این نکته مهم اشاره کرد که آموزش زبان عربی در دنیا نیز با چنین مشکلاتی مواجه است. ایمانزاده و عبادی به نقل از طاهاتومور (۲۰۰۸) چنین بیان می‌کنند: وضعیت آموزش زبان عربی در دنیا سنتی و معلم محور است. در این رویکردها محوریت با کتاب‌ها و متون درسی است و خلاقیت چندان در آن دیده نمی‌شود. راهکار برون رفت از این مسئله، بازنگری در محتوای تربیت معلم و بازآموزی معلمان است. (ایمانزاده و عبادی، ۱۳۹۸:۴)

- **روش سنتی آموزش زبان عربی:** عدم استفاده دبیران از روش‌های متنوع و نوین تدریس در کلاس‌های عربی و تأکید آن‌ها بر روش‌های سنتی باعث افت جذابیت مطالب این درس می‌شود. معلمان برای آموزش زبان عربی از زبان فارسی یعنی زبان مادری دانش‌آموزان استفاده می‌کنند که این موضوع به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا انرژی کمتری برای آموزش زبان خارجی استفاده نمایند. همچنین، تعداد زیادی از معلمان زبان عربی به موضوع تقویت قوه شنیداری بی‌توجه هستند.
- **آموزش نامناسب دستور زبان:** دستور زبان در کتاب‌های دوره متوسطه به شیوه فرمول‌بندی و قانون دستور زبانی تدریس و مواردی ذکر می‌شود. لذا اگر فردی می‌خواهد با یک عرب‌زبان صحبت کند و بخواهد دستور زبان را رعایت کند، زمان زیادی طول می‌کشد تا با این روش دستور زبان را یاد بگیرد و منظور خود را به طرف مقابل منتقل کند.

– در ادامه به ارزیابی سه رکن مؤثر در امر آموزش زبان عربی پرداخته و چالش‌ها راهکارهای پیشنهادی و اقدامات صورت گرفته ارائه خواهد شد:

۱- سیاست‌گذاری:

در ادامه به بخشی از این مسائل و نگاه حاکم در خصوص آموزش زبان عربی پرداخته و موردنقد قرار خواهد گرفت. این بخش برگرفته از مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در مدارس» تألیف معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ است.

سیاست‌های آموزش زبان عربی در اسناد بالادستی:

سیاست‌های موجود در خصوص آموزش زبان عربی در قوانین و اسناد بالادستی در ادامه ذکر و موردنقد و ارزیابی قرار خواهد گرفت:

ردیف	عنوان	محل تصویب	تاریخ تصویب	متن مصوب
------	-------	--------------	----------------	----------

۱	قانون اساسی	مجلس خبرگان	۶/۶/۱۳۶۸	اصل ۱۶: از آنجاکه زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.
۲	مصوبه جلسه ۶۲۶	شورای عالی آموزش و پرورش	۳۰/۷/۱۳۷۷	بند پ جزء ۵ اهداف علمی آموزشی: ترویج زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران و آموزش زبان عربی به منظور آشنایی با قرآن و معارف اسلامی
۳	مصوبه جلسه ۶۴۷	شورای عالی آموزش و پرورش	۲۹/۲/۱۳۷۹	بند ۵ اهداف علمی آموزشی: با زبان عربی برای فهم بهتر قرآن و احادیث و ادعیه و ادبیات فارسی تا حدودی آشناست.
۴	مصوبه جلسه ۶۴۷	شورای عالی آموزش و پرورش -	۲۹/۲/۱۳۷۹	بند ۶ اهداف علمی و آموزشی: زبان عربی را در سطح درک معنای برخی از سوره قرآن و احادیث و اذکار نماز و دعاهای متداول می‌داند و از دانش خود در زبان عربی برای فهم بهتر متون ادب فارسی استفاده می‌کند

۵	مصوبه جلسه ۶۷۸	شورای عالی آموزش و پرورش	۲۸/۳/۱۳۸۱	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مکلف به فراهم کردن مواد درسی لازم برای زبان‌های خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی کرده است.
۶	سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی عمومی	شورای عالی آموزش و پرورش	۲/۵/۱۳۸۹	راهکار ۷/۱: تقویت آموزش زبان‌های فارسی (اصلی) و عربی در چارچوب بخش الزامی برنامه درسی، برای تقویت و تحکیم هویت اسلامی و ایرانی
۷	سند نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۴ / ۱۰ / ۱۳۸۹	راهبرد کلان ۶ بند ۴۱: ارتقا و افزایش جذابیت آموزش‌های قرآنی و اصلاح روش‌های آموزشی دینی و عربی راهبرد کلان ۹ بند ۵: اصلاح و تحول در روش‌های آموزش زبان به‌ویژه زبان عربی و انگلیسی در مقاطع آموزش عمومی
۸	قانون برنامه پنجم توسعه	مجلس شورای اسلامی	۳۰ / ۱۰ / ۱۳۸۹	ماده ۱۹ (جزء الف) بند ۹: ارائه برنامه جامع آموزش قرآن اعم از روان‌خوانی و فهم قرآن و برنامه تلفیقی قرآن، معارف اسلامی و عربی با اهداف قرآنی

۹ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۰	راه کار ۱ - ۵ ارا نه آموزش زبان خار جی در چار چوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت ایرانی و اسلامی
۱۰ برنامه درسی ملی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۹۱	بند ۳ - ۶ برنامه های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت های تعلیم و تربیت تأکید کند. بند ۷ - ۳ آگاهی از گذشته و حال جوامع بشری به ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران بند ۷ - ۴ به کار گیری مهارت های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی به عنوان زبان دین بند ۸ - ۲ یادگیری زبان عربی به عنوان زبان قرآن سبب می شود که فرد بتواند به طور مستقیم با کتاب الهی ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره ببرد. همچنین آموزش این زبان سبب می شود که متریبان بتوانند از معارف اهل بیت (ع) و فرهنگ غنی اسلام استفاده

کنند. ازسوی دیگر زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی در آمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت. آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.				
--	--	--	--	--

همان‌طور که در جدول مذکور ملاحظه می‌شود هیچ کجا از این سیاست‌گذاری اشاره‌ای به جنبه‌های متعدد و ظرفیت بالای این زبان در حوزه اقتصادی و تجاری و گردشگری به‌ویژه گردشگری سلامت و کاربرد وسیع این زبان در این زمینه نشده است. طبیعتاً با چنین سیاست‌گذاری هم نگاه جامعه با تغییر شرایط هر روزه نسبت به زبان عربی منفی‌تر خواهد شد هم این زبان بیش‌ازپیش به محاق فراموشی و بی‌وزنی خواهد رفت؛ بنابراین نخستین کار به‌منظور تغییر شرایط در این خصوص تغییر دیدگاه به‌ویژه سیاست‌گذاران در این زمینه است. نگاه موجود کلاً نگاهی به دیروز است و از میراث و فرهنگ و تمدن به‌هم‌آمیخته این دو زبان حکایت دارد، امری که فی‌نفسه نه بد است و نه باید به آن بی‌توجه بود اما نکته منفی ندیدن امروز و فردای این تعامل و رابطه بین دو زبان با اشتراکات فراوان است. اینکه شرایط امروز و اداره امور فردای جامعه را با نگاه به گذشته بسازیم چیزی جز فرصت سوزی و پشت پا زدن به هزاران فرصت در این جهان سراسر پر از چالش نخواهد بود. در این میان سیاست حسن همجواری به‌ویژه با کشورهای عرب منطقه تصویر بهتری از موقعیت فعلی را برای ما ترسیم می‌کند که هرکدام اگر از مجرای خود و با مکانیسم‌های مناسب تدوین و پیاده‌سازی شود بی‌شک تغییر بزرگی را در وضع موجود ایجاد خواهد کرد.

با توجه به فراهم نبودن زمینه‌های لازم به‌منظور آموزش نظام‌مند و اصولی و کاربردی زبان عربی در مدارس و مراکز آموزشی و سوء مدیریت در این زمینه‌ها طبیعتاً نباید انتظار داشت رغبتی از جانب دانش‌آموزان نسبت به یادگیری این زبان دیده شود. هنگامی که فایده و ضرورت یک امر به‌درستی و برپایه موازین علمی تبیین نشود اولین قربانی این امر مخاطب مستقیم آن خواهد بود و در امر آموزش زبان عربی به دلایلی که در ابتدای این گزارش بیان شد بیشترین نقص را متوجه دانش‌آموزان خواهد کرد. عربی‌گزینی در میان غالب این دانش‌آموزان به‌وضوح قابل مشاهده است. در طی این پژوهش بعد از تقسیم زبان‌آموزان به دو گروه مساوی و با انتخابی تصادفی آنچه بیش از همه قابل ملاحظه بود اینکه به دلیل دیدگاهی که دانش‌آموزان از شیوه تدریس زبان عربی در مدارس داشتند و موضع‌گیری سختی که در این خصوص در ذهن آنان شکل گرفته بود و اینکه عربی‌چیزی جز قواعد دست و پاگیر نیست و فایده‌ای جز خواندن متون دینی از رهگذر آموختن آن حاصل نمی‌شود لذا با مقاومت زیادی به هنگام تغییر دیدگاه آنان مواجه شدیم. بیش از ۹۰٪ این افراد در پایان این دوره و بعد از مواجهه با روش جدید و توسعه دامنه دید آن‌ها علاقه‌مند به یادگیری زبان عربی و به‌ویژه آشنایی با لهجه‌های عربی کشورهای هم‌جوار شدند تا بلکه از این رهگذر افق جدیدی در آینده شغلی آنان فارغ از رشته تحصیلی‌شان در دانشگاه در برابر آن‌ها گشوده شود.

تحلیل نمونه

با توجه به مهارت‌های چهارگانه (خواندن، گوش دادن، نوشتن و صحبت کردن) و به‌منظور ارزیابی درست از شرایط موجود و ارائه راهکار عملیاتی در سه حوزه منابع آموزشی، زبان‌آموز و معلم مطالعات میدانی با انتخاب دو گروه از زبان‌آموزان مناطق شهرستان سمنان به‌صورت تصادفی و تقسیم آن‌ها به دو گروه به مقایسه و ارزیابی عملیاتی بودن فراینده آموزش زبان پرداخته شد. در این میان و به‌منظور ارائه مقایسه بین دو روش سنتی و نو در آموزش مهارت‌های زبانی در مدارس شهرستان سمنان گروه اول به‌صورت سنتی و با ابزارهای موجود و مورد تأیید آموزش و پرورش (کتاب درسی عربی متوسطه اول) و گروه دوم بر اساس منبع جدید آموزش زبان مورد استفاده در کشورهای عربی (مفتاح العربیة) فراینده آموزش در یک برهه زمانی سه‌ماهه انجام و موارد زیر مورد ارزیابی قرار گرفت:

- مقایسه منبع سنتی (عربی زبان قرآن) با منبع آموزشی نو (مفتاح العربیة).

- تحلیل توانمندی معلمان با استفاده از روش‌های مدرن آموزش زبان و تدریس سنتی موجود.

- ارزیابی فرایند زبان‌آموزی فراگیران در چارچوب روش‌های سنتی و مدرن

در این میان مهارت‌های چهارگانه با استفاده از فناوری‌های جدید در این زمینه مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. نقطه شروع این زبان‌آموزان و معلمان به‌عنوان وضع موجود در ابتدای دوره مطالعاتی به‌منظور ارائه تصویری واقع‌بینانه از شرایط موجود و مقایسه آن با شرایط حاصل در خاتمه فرصت مطالعاتی مورد توجه خاص قرار گرفت.

نکته قابل توجه آنکه به‌منظور ارائه گزارش واقع‌بینانه از شرایط قبل و بعد این فراگیران، در آغاز دوره مطالعاتی از همه ۴۰ دانش‌آموز یک آزمون تعیین سطح بر اساس معیارهای موجود برای سطح سنجی بر مبنای مهارت‌های چهارگانه اخذ و نمرات این دانش‌آموزان در هر یک از مهارت‌ها به قرار زیر اخذ شد.

۲۰٪ دانش‌آموزان در مهارت خواندن نمره قابل قبول به دست آوردند.

۵٪ دانش‌آموزان در مهارت نوشتن نمره قابل قبول اخذ کردند.

۱۰٪ دانش‌آموزان نمره قابل قبول در مهارت صحبت کردن اخذ کردند.

۲۰٪ دانش‌آموزان در مهارت گوش دادن و تکرار عبارات نمره قابل قبول اخذ نمودند.

نمره قابل قبول در مهارت‌های چهارگانه در آزمون تعیین سطح اولیه ۱۲ از ۲۰ بود.

در این دوره هر چهار مهارت در دو منبع آموزشی مدنظر بود و فراگیران در دو فضای کاملاً متفاوت و براساس واقعیت‌های موجود مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند. در ادامه شرایط ابتدای فرایند و نتیجه نهایی حاصل از مطالعات میدانی در این پروژه ذکر و ارزیابی می‌شود:

- مهارت استماع و مکالمه:

در این بخش به تحلیل توانمندی فراگیران در دو مهارت استماع و گفتگو در دو روش آموزش سنتی و جدید پرداخته می‌شود. به این منظور فراگیران در دو گروه به‌صورت کاملاً تصادفی انتخاب و در معرض آموزش قرار گرفتند. غالب زبان‌آموزان در یک دوره سنی و کتاب مورد استفاده در آموزش سنتی عربی دوره متوسطه اول سال نهم و منبع مورد استفاده در آموزش مدرن کتاب مفتاح العربیة است. از ویژگی‌های این کتاب تنظیم فرایند آموزش در دو سطح مبتدی و متوسطه و هر کدام در دو سطح A و B است. در این منبع دو مهارت استماع و محادثه در یک کتاب و در دو سطح آموزش داده می‌شود و دو مهارت خواندن و نوشتن در دو کتاب دیگر و در دو سطح ارائه می‌شود. در مورد کتاب‌های مورد استفاده در متوسطه اول با عنوان (عربی زبان قرآن) تمامی مهارت‌های ۴ گانه با محوریت آموزش و قواعد قرار است آموزش داده شود.

الف: زبان‌آموزان در معرض آموزش سنتی:

منبع مورد استفاده در این پژوهش کتاب درسی عربی نهم است. در این کتاب که از ۱۰ درس تشکیل شده است ما با موارد زیر در حوزه مهارت استماع مواجهیم: وجود QR کد به‌منظور استماع تلفظ صحیح متن دروس.

طبیعتاً وجود این امکان جدید که در سال‌های اخیر و با پیگیری مستمر در قالب کتاب‌های درسی گنجانده شده است می‌تواند کمک زیادی به درست‌خوانی و روان‌خوانی زبان‌آموزان نماید؛ اما در عمل و در شرایط مورد ارزیابی در گروه اول و طبق بررسی‌های میدانی در مدارس سمنان این امکان نه تنها مورداستفاده زبان‌آموز قرار نگرفته است بلکه به دلیل در حاشیه بودن مهارت استماع بسیاری از معلمان نیز از آن بی‌اطلاع یا بی‌توجه به آن بودند. در حوزه آموزش مهارت گفتگو در این کتاب در هر درس یک حوار گنجانده شده است که به دلیل سلطه زیاد قواعد و ترجمه آموزش این بخش نه در زمان کم ممکن است و نه در صورت مبادرت به آن به دلیل کم‌اهمیت جلوه دادن این مهارت در مقدمه کتاب امری عملیاتی و مفید ارزیابی می‌شود. زبان‌آموزان با این روش تنها با چند گفتگو در قالب دو بخش (حوار - اربعینیات) مواجه می‌شود که چون در ارزیابی نهایی آنان اهمیتی کم و محدود است، لذا فراگیر تلاش و انگیزه چندانی برای استفاده از امکان و بالابردن سطح زبان‌آموزی و تقویت دو مهارت استماع و گفتگو نمی‌کند. در تمام مدت اجرای این طرح و به دلیل ناکارآمدی منبع آموزشی دو مهارت استماع و گفتگو کمترین پیشرفت را در میان زبان‌آموزان داشت. از بین ۲۰ فراگیر حاضر در فرایند آموزش با روش سنتی تنها (۲۰٪) فراگیران در مهارت گوش دادن و (۱۰٪) در مهارت گفتگو آن‌هم به واسطه توانمندی شخصی و علاقه فردی خود شرایط بهتری در مقایسه با دیگران دارا بودند. در این کتاب هر درس در ۲۰ صفحه تنظیم و ارائه شد. مبنای تمرینات دروس تقویت دو مهارت قواعد و ترجمه و اشاره‌ای گذرا و نه عمیق به مهارت گفتگو است. مهارت استماع هم به‌جز همان QR، هیچ برنامه دیگری برای آن ارائه نشده است. نکته منفی این شیوه آموزش که بیشتر از دیگر مسائل به چشم می‌آید رواج بی‌انگیزگی مفرط و بی‌علاقگی فراگیران به یادگیری زبان عربی و مهارت‌های زبانی در بستر استفاده از این منبع آموزشی دارد تا جایی که امکان ایجاد فضای زبان‌آموزی توسط این منبع آموزشی عملاً وجود ندارد که این هم ناشی از تنظیم نامناسب مطالب در کتاب درسی و عدم تلاش برای نوآوری در این خصوص است. از مقدمه کتاب تا تمرینات و حتی متون درسی هیچ کدام نه بروز و قابل استفاده‌اند و نه کمکی به تقویت هیچ‌یک از مهارت‌های فراگیران می‌کند. شاید تمام هم و غم معلم در این شیوه رساندن زبان‌آموز به حد متوسط به‌منظور کسب نمره قبولی در آزمون‌های کلاسی و یا جنبی است و کمترین توجه و در بسیاری از موارد هیچ توجهی به تقویت مهارت‌های ۴ گانه در این روش مبذول نمی‌گردد. استمرار این شیوه آموزش در طول ۴۵ سال گذشته و در نظام آموزشی فعلی ذهنیت عربی دانی و یادگیری زبان را از مبحثی کاملاً تخصصی و نیازمند آموزش حرفه‌ای به ذهنیتی کاملاً ایدئولوژیک در حوزه آموزش زبان عربی در مدارس تبدیل نموده است و عملاً بالغ بر ۹۹٪ دانش‌آموزان مدارس نه در مهارتی تقویت می‌شوند و نه علاقه‌ای به استمرار این فرآیند در دوران بعد از آموزش مدرسه‌ای دارند؛ و این امر بیش از هر چیز ناشی از ناکارآمدی روش‌های سنتی و بی‌نتیجه بودن این فرایند است.

ب: زبان‌آموزان در معرض آموزش جدید:

در گروه دوم از منبع (مفتاح العربیة) کتاب مخصوص استماع و محادثه استفاده شد. این کتاب ۱۲۷ صفحه‌ای در ۷ درس و در بخش‌های زیر به‌منظور تقویت مهارت استماع تنظیم شده است: ارائه واژگان جدید، سؤال‌های مقدماتی برای تقویت مهارت استماع، ارائه گفتگو به همراه فایل صوتی هر گفتگو در قالب CD و QR، اشاره گذرا به قواعد در قالب گفتگو و

تلاش برای تقویت مهارت استماع و گفتگو به صورت غیرمستقیم و نه به صورت جداگانه، تمرین‌های زیاد برای تقویت مهارت استماع و گفتگو، ارائه تمرین‌هایی که پاسخگویی به آن نیازمند گروه‌بندی زبان‌آموزان است، درجه‌بندی تمرینات برای آموزش دو مهارت استماع و گفتگو از اولیه به حرفه‌ای، آموزش معلمان به منظور بالابردن مهارت آنان در تدریس زبان.

با نگاهی به تنوع برنامه در منبع جدید و استفاده از تمرین‌های زیاد و به کارگیری همه توانمندی‌ها و نیز توجه ویژه به تقویت مهارت معلمان در دو حوزه استماع و گفتگو در فرایند آموزش زبان به گروه دوم شاهد تغییر و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در میان زبان‌آموزان بودیم. چون منبع مورد استفاده بیش از توجه به تقویت مهارت قواعد و ترجمه به صورت ویژه به دو مهارت استماع و گفتگو پرداخته بود. فراگیر بدون داشتن هیچ‌گونه استرس و در طی یک فرایند مدون و برنامه‌ریزی شده به شکل قابل توجهی در دو مهارت مذکور هم رشد نموده و هم توانمندی خوبی در این دو مهارت کسب کرد. از ۲۰ شرکت کنند در این دوره تقریباً با رشد متوسط ۸۰٪ این دو مهارت در میان زبان‌آموزان با استفاده از منبع و روش جدید مواجه بودیم.

نکته قابل توجه در این منبع آموزشی این که تمامی تمرینات از امکان شنیداری در کنار هر تمرین برخوردار بود و فراگیر ملزم می‌شود برای حل هر تمرین ابتدا صورت سؤال را در فایل صوتی کنار تمرین گوش کند و از راهنمایی لازم به این منظور استفاده نماید سپس اقدام به حل تمرین کند. در این روش گوش و زبان فراگیر دائماً در معرض آموزش است حتی برای جزئی‌ترین تمرینات، هم بخش تصویری مطلوب و هم بخش شنیداری مناسبی برای آموزش زبان تنظیم و جانمایی شده بود، لذا پیشرفت فراگیران در این دو مهارت در بستر کتاب (مفتاح العربیة) حتی بیش از پیش‌بینی اولیه ما بود.

در این منبع در کنار هر تمرین از سه کلیدواژه (أنظر، استمع، کرر) که هر سه تقویت کننده مهارت استماع و گفتگو هستند استفاده شده بود و این امر بعد از هفته اول به صورت کاملاً غیرارادی در ذهن زبان فراگیران جای گرفته و فرایند آموزش را برای معلمان و پژوهشگر بسیار لذت‌بخش کرده بود. تقریباً هر درس در ۱۵ تا ۲۰ صفحه تنظیم و به منظور تقویت این دو مهارت ارائه شده است. کتاب استماع و محادثه در دو سطح A و B در هر سطح دو کتاب تنظیم و در کتاب اول بیشتر به ارائه مباحث مقدماتی و در کتاب دوم به پیاده‌سازی مهارت‌های آموزش داده شده و ارزیابی آن پرداخته شده است. مجموعه مورد استفاده تألیف سال ۲۰۱۹ م است. این کتاب سالانه بروز رسانی و جدیدترین روش‌های آموزشی در آن جانمایی می‌شود. زمان پیشنهادی برای تقویت این دو مهارت طبق آنچه در مقدمه کتاب آمده است ۲ ساعت و نیم است. از ویژگی‌های موجود در این کتاب پرداختن به نیازهای روزمره و آموزش مهارت‌های ۴ گانه بر مبنای مسائل روزمره و نه صرفاً ایدئولوژیکی است.

مهارت خواندن و نوشتن:

دو مهارت خواندن و نوشتن در کنار دو مهارت قبلی فراگیران را به مرحله یادگیری مطلوب رسانده و خروجی قابل قبولی در فرایند زبان‌آموزی ایجاد می‌کند. در ادامه به جایگاه این دو مهارت در دو منبع سنتی و مدرن و کارآمدی هر یک از این دو منبع و تدبیر لازم برای آموزش این دو در کتاب‌های فوق‌الذکر پرداخته می‌شود.

الف: زبان آموزان در معرض آموزش سنتی:

منبع معرفی شده (عربی زبان قرآن) در این بخش تقریباً هیچ گونه تدبیر و برنامه‌ای مدون برای تقویت مهارت خواندن و نوشتن ارائه نداده است. اصل این است که آموزش در دو بخش پی‌ریزی و طراحی و دنبال شود. بخشی را منبع آموزشی تدوین و در اختیار می‌گذارد و بخش دوم را معلم با استفاده از آموخته‌های خود در این خصوص در اختیار زبان‌آموز قرار می‌دهد. در بخش اول در ۱۰ درس موجود در منبع آموزشی مورد استفاده در مدارس به جرئت می‌توان گفت هیچ تلاشی از طرف مؤلفین و سیاست‌گذاران برای تقویت دو مهارت فوق‌الذکر صورت نگرفته است. کتاب با یک متن درسی حدود ۳۰ خطی آغاز می‌شود که غالباً می‌بایست در کلاس درس خوانده و با تکرار آن توسط دانش‌آموزان مهارت خواندن تقویت گردد. نکته تاریک در این بخش اینکه متون انتخابی نه تنها روزآمد نیست بلکه در برخی موارد دربردارنده مطالب غیرقابل استفاده و ناکارآمد و قدیمی است که حتی در برخی موارد واکنش‌های منفی فراگیران را که در سطح پایینی از آشنایی با زبان عربی برخوردارند را در پی دارد. منبع در این بخش فاقد فایل صوتی مستقل است امری که انگیزه تقویت این مهارت و زمینه آن را در نزد فراگیران از بین می‌برد و معلمان نیز غالباً به دلیل فقدان مهارت لازم و نداشتن مهارت درخور برای تقویت این مهارت عملاً این نوع مهارت را در کتاب درسی به محاق برده است. تقریباً هیچ تمرینی در کتاب درسی در تقویت این دو مهارت تدوین نشده است. نه از دانش‌آموز خواسته می‌شود که با آموخته‌هایش و برای تقویت مهارت نوشتن، انشاء یا داستان یا پاره جملاتی بنویسد و نه راهکاری عملیاتی برای این منظور تنظیم و ارائه می‌شود. تقریباً در هر درس تمرینات با محوریت آموزش قواعد و ترجمه آن‌هم در خدمت مبانی ایدئولوژیکی ارائه شده و کم‌ترین توجهی به نیازهای روز جامعه در این فرایند مشاهده نمی‌شود. نکته دیگر اینکه در فرایند ارزیابی دانش‌آموزان تقریباً نمره‌ای به این امر اختصاص پیدا نمی‌کند مگر در امتحانات مستمر یا فعالیت‌های کلاسی که آن‌هم در بیشتر مدارس مورد بررسی در شهرستان سمنان مشاهده نشد و تقریباً امری سلیقه‌ای و نه مدون و در چارچوب سیاست‌های کلان آموزشی است.

عدم استفاده از فناوری‌های جدید آموزشی و بی‌توجهی به این امر حتی بدیهی‌ترین مسائل که مطلوب کتاب درسی است یعنی خوانش درست متون دینی مانند قرآن و احادیث را هم محقق نمی‌کند و نوعی زبان‌گزیزی در فراگیران ایجاد می‌کند.

در این پژوهش و دوره مطالعاتی به‌منظور به چالش کشیدن دو بخش از سه ضلع آموزش یعنی منبع آموزشی و دانش‌آموز دقیقاً بر اساس مطالب موجود در کتاب پیش رفتیم و لذا نه تنها مهارت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان هیچ گونه تغییری نکرد و توانمندی جدیدی در آن‌ها ایجاد نشد بلکه در پایان دوره و در جریان آزمون‌های دوره‌ای عملاً این امر به حاشیه رفت و از ۲۰ فراگیر حاضر در این فرایند به جز ۲ نفر (۱۰٪) که آن‌هم در حد محدود هیچ گونه تغییری در سطح مهارتی آنان در دو مهارت مذکور مشاهده نشد. در این بین مهارت نوشتن شرایط بسیار نامطلوب‌تری نسبت به مهارت خواندن دارد. به‌طور می‌توان مدعی شد که منبع آموزشی هیچ تدبیر و پیشنهادی برای تقویت این مهارت نیندیشیده است. نکته قابل ذکر اینکه اگر تغییری ولو محدود در سطح این دو مهارت مشاهده شد به خاطر فعالیت‌های جنبی محقق در جریان آموزش زبان بوده و کتاب درسی کوچک‌ترین تدبیر منتج به نتیجه‌ای در این خصوص نیندیشیده است.

ب: زبان آموزان در معرض آموزش جدید:

در روش آموزشی جدید چهار کتاب در دو سطح A و B و در دو سطح مبتدی و متوسطه به آموزش مهارت فرائت و کتابت پرداخته است. در هر کتاب به فراخور سطح توانمندی فراگیران به ترتیب عناوین سه عنوان گنجانده شده است: عنوان اول: المدخلات اللغویة المكتوبة شامل: عنوان الدرس، عرض المفردات، أسئلة تمهيدية، نصّ القراءة و أسئلة القراءة و بخش دوم با عنوان: اللغویات شامل: واژگان و قواعد و بخش سوم با عنوان: الكتابة شامل: مهارت‌های نوشتن، انشاء، املاء و تکالیف متعدد به منظور یادگیری عملی مهارت مذکور گنجانده شده است. همین سه مرحله در هر ۴ کتاب با توجه به سطح فراگیران تنظیم و ارائه شده است. در دوره مطالعاتی به دلیل ضیق وقت و لزوم دستیابی به نتیجه ملموس دو کتاب به گروه دوم شامل ۲۰ دانش‌آموز آموزش داده شد.

همان‌طور که از آزمون اولیه برمی‌آید و قابل پیش‌بینی هم بود بیشترین ضعف فراگیران در دو مهارت نوشتاری و صحبت کردن بود. شاید در این میان ضعف مفرط زبان‌آموز در مهارت نوشتن قابل پیش‌بینی بود که عمده‌ترین دلیل آن هم نبود تمرینات کافی و تقویت کننده این مهارت در کتاب‌های درسی و نیز ناتوانی معلمان در این زمینه است.

در این دوره با استفاده از فناوری‌های آموزشی و به روش ترکیبی (روش‌های مختلف تدریس) در کنار کتاب مفتاح العربیة ۱۲ داستان هر جلسه یک داستان در اختیار زبان‌آموزان قرار می‌گرفت. در مرحله اول خوانش صحیح این داستان‌ها آموزش داده و مهارت خواندن متن فراگیران تقویت می‌شد. ناگفته نماند زبان‌آموز موظف می‌بود به انتخاب خود یک متن غیر از تکلیف هفتگی انتخاب و در کلاس به شکل صحیح قرائت نماید. نتیجه این که مهارت صحیح خوانی که از راحت‌ترین مهارت‌هاست با استفاده از این روش ساده به شکل قابل ملاحظه‌ای تقویت و سطح دانش‌آموزان از توانمندی ۲۰٪ کل کلاس به مهارت بالای ۹۰٪ که حد مطلوبی در آموزش زبان است ارتقاء یافت.

در کنار مهارت خواندن دشوارترین مهارت که همان نوشتن است بیشترین زمان این دوره را به خود اختصاص داد. لازم سطح ۵٪ مهارت زبان‌آموزان در آزمون اولیه حداقل به مهارت بالای ۵۰٪ می‌رسد تا هدف موردنظر تحقیق یابد، با توجه به اینکه تقویت این مهارت نیازمند افزایش ذخیره لغوی فراگیران بود لذا در چند مرحله و از طریق متن خوانی و استخراج لغات در به دنبال آن نوشتن مطالب چندخطی و در ادامه یک صفحه‌ای کمک زیادی در تقویت این مهارت به زبان‌آموزان کرد. درواقع داستان‌های مورد استفاده در تقویت مهارت خواندن در این بخش نیز مورد استفاده قرار گرفت و زبان‌آموز با استخراج واژگان و با استفاده از نمونه‌های مختلف ذخیره لغوی خود را افزایش داده و با روش تقلید از متون توانستند مهارت نوشتاری خود را بهبود بخشند.

در این میان بهره‌گیری از روش‌های ابتکاری خارج از کتاب مورد استفاده مثل روش بازی در آموزش زبان، روش داستان‌نویسی و نیز دیگر مهارت‌های مذکور در صفحات قبل توانست تا حد مطلوبی مشکل موجود در حوزه آموزش زبان عربی را مرتفع سازد.

موضوعی که در این میان نباید از نظر دور داشت اینکه شاید مانع اصلی در مقوله آموزش زبان عربی در مدارس همچنان برقرار باشد و آن هم سیاست‌گذاری حاکم بر فضای آموزش این زبان است. اصرار هیئت تألیف کتب درسی مدارس بر غلبه رویکرد ایدئولوژیکی در این زمینه و در نظر نگرفتن فرصت‌ها و افق‌های متعددی که با تغییر شیوه آموزش این زبان در مدارس به وجود خواهد آمد همچنان به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع در فرایند تغییر نگاه جامعه و به تبع آن فراگیران نسبت به زبان عربی قلمداد می‌شود.

نکته دیگر این که در میان مهارت‌های چهارگانه، **مهارت خواندن با پیشرفت ۹۰٪** بیش از سایر مهارت‌ها شاهد رشد بود و همچنان **مهارت نوشتن با پیشرفت ۵۰٪** در آخرین رتبه قرار داشت. امری که به‌خوبی ناشی از کمبود ذخیره لغوی زبان‌آموزان و نیاز به تقویت بخش زبانی و گرامری آن‌ها است.

شاید بتوان گفت روش فعلی آموزش زبان عربی تنها برای تقویت مهارت نوشتن و تا اندازه محدودی مهارت خواندن مناسب است که این امر نیز به دلیل اصرار بر پیشبرد دانش‌آموزان در چارچوب امتحانات متعدد و اخیراً آماده‌سازی آن‌ها برای امتحانات نهایی در مرحله متوسطه دوم، عملاً همین مختصر زمینه موجود در این خصوص را نیز به حاشیه و بلااستفاده ساخته است.

– نتایج آزمون‌های اولیه همه فراگیران و آزمون نهایی پس از آموزش به روش سنتی و مدرن

✱ آزمون اولیه:

این آزمون در بدو دوره فرصت مطالعاتی از همه ۴۰ فراگیر اخذ و با ملاک قرار دادن نمره ۱۲ به‌عنوان نمره قابل قبول اخذ و نتایج زیر به درصد حاصل شد. در این مرحله برای تعیین واقعی سطح زبانی آزمونی در ۴ مهارت زبانی و به‌صورت متمرکز اخذ و نتایج به‌صورت زیر حاصل شد:

– مهارت خواندن: ۲۰٪

– مهارت نوشتن: ۵٪

– مهارت صحبت کردن: ۱۰٪

- مهارت گوش دادن (استماع): ۲۰٪

آزمون نهایی:

این آزمون بعد از برگزاری دوره ۳ ماهه آموزش به دو روش سنتی (با استفاده از کتاب درسی عربی زبان قرآن) و مدرن (با تدریس کتاب مفتاح العربیة) و به صورت مجزا برگزار و نتایج حاصل از آزمون به صورت درصد‌های زیر در مهارت‌های ۴ گانه حاصل شد:

آموزش سنتی:

پیشرفت حاصل در این دوره هرچند قابل توجه است اما به هیچ وجه راضی کننده نبود:

- مهارت خواندن: ۵۰٪

- مهارت نوشتن: ۲۰٪

- مهارت صحبت کردن: ۳۰٪

- مهارت گوش دادن (استماع): ۴۰٪

در خصوص پیشرفت حاصل در این نوع آموزش نکته قابل ذکر اینکه در کنار محتوای کتاب از روش آموزش زبان با مهارت داستان خوانی و نمایش اسلایدهای کوتاه تصویری هم کمک گرفته شد. با این حال نتیجه حال که نهایت ظرفیت کتاب درسی بود مورد رضایت نبوده و هرگز نمی‌تواند پاسخگوی نیازها و ظرفیت‌های این زبان باشد چراکه همچنان در این نوع آموزش آنچه مهم است سوق دادن زبان‌آموزان به سمت آزمون‌های سنتی آموزش و پرورش به هدف قبولی در دانشگاه است. هدف اصلی همچنان آشنا کردن دانش‌آموزان با متون دینی و توانمندسازی آنان در این راستا است.

آموزش مدرن:

در این بخش که در کنار کاربست فناوری‌ها و روش‌های جدید آموزشی شاهد شوق مضاعف زبان‌آموزان بودیم، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای حاصل شد که درصد پیشرفت هر یک از مهارت‌های زبانی در ادامه می‌آید:

- مهارت خواندن: ۹۰٪

- مهارت نوشتن: ۵۰٪

- مهارت صحبت کردن: ۷۰٪

- مهارت گوش دادن (استماع): ۸۰٪

با مقایسه نتایج آزمون‌های اخذشده در طول دوره از فراگیران می‌توان تاندازه‌ای به کارا بودن آموزش‌های نوین و استفاده از فناوری‌های آموزشی در فرایند آموزش زبان پی برد و نیز ناکارآمدی روش‌های سنتی به‌ویژه منابع مورد استفاده در مدارس در کنار روزآمد نبودن معلمان و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به‌خوبی در نتایج حاصل در این دوره آموزشی قابل مشاهده است. امری بیش از هر زمان دیگری متولیان امر را بر آن می‌دارد تا دیر نشده است چاره‌ای برای بهبود شرایط و تغییر رویه آموزشی بیندیشند.

- معلمان:

یکی از مهم‌ترین ارکان آموزش زبان، معلمان و اساتید این حوزه‌اند که متأسفانه این بخش نیز در کنار دو بخش دیگر مورد بررسی در این پژوهش با چالش‌ها و اشکالات جدی در فرایند آموزش مواجه هستند. در پژوهش حاضر و به‌منظور ارائه تصویری واقع‌بینانه ابتدا طی چند جلسه با حضور معلمان عربی استان سمنان به میزبانی انجمن زبان عربی استان به استماع مشکلات و دغدغه‌های این عزیزان پرداخته شد. ازجمله این مسائل می‌توان به ناکارآمدی منابع درسی و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و عدم آموزش بروز و کافی به معلمان، برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی غالباً ناکارآمد، عدم تخصص کافی معلمان و بروز نبودن سواد آموزش زبان نزد این عزیزان، عدم تسلط غالب معلمان به زبان عربی و متأسفانه نگاه منفی خود همین عزیزان به عربی گویی در کلاس‌های درس، عدم آشنایی کافی با فرصت‌های موجود در حوزه آموزش زبان، فقدان امکانات فناوریانه موردنیاز، اشاره کرد. به‌منظور ارزیابی سطح فنی معلمان شرکت کنند در این دوره آموزشی ابتدا آزمون جامعی از سایر مهارت‌های زبانی آنان اخذ شد که از بین ۲۰ معلم شرکت‌کننده در آزمون اولیه این نتایج در بخش‌های مختلف حاصل شد:

نمره موردقبول در این بخش ۱۶ از ۲۰ بود:

مهارت استماع: ۴۰٪ موفق به کسب نمره مورد پذیرش شدند

مهارت گفتگو: ۴۰٪ موفق به کسب نمره مورد قبول شدند

مهارت نوشتن: ۳۰٪ موفق به کسب نمره مورد پذیرش شدند

مهارت خواندن: ۷۰٪ موفق به کسب نمره مورد پذیرش شدند

چالش اصلی معلمان در این پژوهش قدیمی بودن آموخته و بی‌توجهی به استفاده از مهارت‌های زبانی در آموزش زبان عربی در مدارس بود. تصور غالب این بود که اگر دانش‌آموز در کتاب درسی و دو حوزه گرامر و ترجمه مهارت لازم را کسب کند مسئولیت معلمان به نحو احسن به انجام رسیده است، حال آنکه این بزرگ‌ترین اشتباه رایج در بین دانش‌آموزان و معلمان است و درست همان راه ناصوابی است که طی ۴۵ سال گذشته طی شده است.

برای برون‌رفت از این چالش در این دوره مطالعاتی اقدامات زیر صورت پذیرفت:

- برگزاری دوره متوسطه مکالمه عربی فصیح (به مدت ۱۰ هفته)
- برگزاری کارگاه آشنایی با فناوری‌های آموزشی و آماده‌سازی محتوای آموزشی
- تنظیم و ارائه بروزترین روش‌های تدریس زبان و آموزش آن در کارگاه
- آماده‌سازی محتوای آموزشی مناسب و ارائه آن به معلمان شرکت کنند به‌منظور استفاده در کلاس‌های درسی در قالب CD و DVD

- هماهنگی جهت برگزاری هفتگی جلسات آموزش زبان و رفع اشکالات درسی در روزهای پنجشنبه به مدت یک سال.

- برنامه‌ریزی جهت شرکت معلمان در کلاس‌های درسی مکالمه و آزمایشگاه و انشاء دانشگاه سمنان. در آخر اینکه این مسیر به هدف بهبود وضعیت موجود و رفع نواقص ادامه خواهد داشت، به این امید که هم تغییر حاصل شود و در صورت موفقیت‌آمیز بودن طرح در سایر استان‌ها هم اجرایی شود و هم مسؤولیت اجتماعی و علمی خود را در حد توان به انجام برسانیم.

نتیجه:

با توجه به چالش‌های موجود در زمینه آموزش زبان عربی و پس از بررسی میدانی این امر در مدارس شهر سمنان نتایج زیر حاصل شد:

- عمده‌ترین مشکل در حوزه آموزش زبان عربی در مدارس به کارکرد نامناسب منابع درسی و ناکارآمدی معلمان مربوطه و عدم اختصاص زمان کافی در برنامه‌ریزی درسی مدارس برمی‌گردد. از این‌رو نیاز است برای رفع این مانع اقدامات مدونی انجام پذیرد.
- رویکرد کتاب‌های درسی بیش از آنکه آموزش زبان محور باشد به سمت آموزش مهارت ترجمه و قواعد سوق یافته است که هرچند این دو مقوله هم در روند آموزش زبان تأثیرگذارند لکن به حاشیه بردن اصل آموزش زبان منجر به ناکارآمدی و غیر مفید بودن آموزش زبان عربی در مدارس شده است.
- برگزاری دوره‌های تخصصی آموزش زبان با استفاده از اساتید دانشگاهی ماهر و انتقال تجربه‌های مفید موجود در محیط‌های دانشگاهی راه‌حل مناسبی برای برون‌رفت از وضع موجود است.
- لزوم بازنگری در منابع درسی و محور قرار دادن آموزش زبان در این کتب از ضرورت‌های غیرقابل‌انکار در این حوزه است.
- تغییر در سایتهای کلان و اسناد بالادستی در این مقوله کمک شایانی به بهبود وضع فعلی و اثربخشی آموزش زبان عربی در مدارس و مراکز مختلف آموزشی خواهد کرد.
- استفاده از فناوری‌های جدید آموزشی و یادگیری زبان با استفاده از فنونی چون داستان‌نویسی از دیگر راه‌های مناسب برای بهبود کیفیت آموزش زبان عربی است.

منابع

- احمد نواف و همکاران، مفتاح العربیة (سلسله فی تعلیم العربیة للناطقین بغیرها)، (۲۰۲۰)، استانبول.
- ایمان زاده، علی؛ عبادی، زهرا (۱۳۹۸)، تجربیات زیسته دبیران عربی از دلایل ناکارآمدی زبان عربی، مطالعه‌ای پدیدارشناختی، مجله پژوهش‌های برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸.

- حسن‌زاده قشلاق، عربعلی (۱۳۸۸)، راهبردهای پرسشگری در تدریس (با فراگیران)، انتشارات ادیبان.
- حسینی، عبدالله؛ اشکوری، عدنان، مجیدی، نفیسه (۱۳۹۹)، اثربخشی آموزشی مبتنی بر بازی بر میزان یادگیری و انگیزه دانش‌آموزان در زبان عربی، نشریه جستارهای زبانی، شماره ۵۶، ۳۶۳-۳۸۸.
- حقدوست راد، سیده زهرا (۱۳۸۸)، موانع یادگیری درس عربی در دوره متوسطه از دیدگاه دبیران، کتاب ماه ادبیات، ش ۲۷، پایانی ۴۱.
- شجاع نوری، فروغ؛ شکری، فرزانه، (۱۳۹۲)، مقایسه تأثیر سه روش آموزشی (پژوهش محور - آموزش محور و - آموزش - پژوهش محور) بر مهارت‌های طلبه‌های حوزه علمیه خواهران، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال نهم، شماره ۳۰، ۱۰۷-۱۲۶.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲)، مهارت‌های آموزشی، تهران، انتشارات سمت.
- عباچی، اباذر و همکاران، عربی زبان قرآن، (۱۴۰۲)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- لامعی گیو، احمد؛ مقبولی، مریم (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی میزان اثربخشی آموزش کتاب‌های تازه تألیف عربی متوسطه اول و دوم از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان شهرستان بیرجند، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴۹.
- مهرمحمدی محمود؛ عابدی، لطفعلی (۱۳۸۰)، ماهیت تدریس و ابعاد زیبایی‌شناختی آن، مجله مدرس، ش ۵.
- هاراجی، اون؛ ساندروز، کریستین؛ دیکسون، دیوید (۱۳۹۳)، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه مهرداد فیروز بخت؛ خشایار بیگی، انتشارات آگه.
- یعقوبی، الله نظر، (۱۳۸۸)، تقویت روحیه پرسشگری در دانش‌آموزان، مجله رشد فناوری، ش ۴۸، ۱-۳۸.